

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فہیم آزاد
۱۶ اکتوبر ۲۰۲۳

امارت اسلامی سرمایہ، اوضاع جاری و جنبش‌های اجتماعی

بیشتر از دو سال از به قدرت رسیدن دوباره طالبان به کمک آشکار قدرت‌های سرمایہ‌داری در رأس امپریالیسم امریکا و برپائی امارت اسلامی سرمایہ گذشت. در این مدت جامعه افغانستان از هر جہتی به عقب رجعت داده شده است. سطح زندگی و معیشت اکثریت مردم به ویژه اقشار و طبقات فرودست و محروم از آن میان کارگران به شکل دهشتناکی سقوط کرده است. چیزی بالغ بر ۳۷ میلیون جمعیت این کشور منبع درآمد و بخور و نمیری جز امداد نهاد‌های بین‌المللی ندارند. اپارتاید جنسیتی اعمال شده بر زنان و حذف کامل شان از جامعه به دامنه فقر و حرمان، که در گذشته نیز دامن‌گیر طبقات محروم بود، ابعاد وحشتناکی بخشیده است. در کنار فقر مفرط و فزاینده و بیکاری همه‌گیر، اختناق، ستم و سرکوب دمار از روزگار مردم در آورده است.

فلاکت اقتصادی و دغدغه نان

معضل بیکاری و تبعات اجتماعی ناشی از آن طی این مدت بشدت افزایش یافته است. فلاکت اقتصادی، گسترده بودن دامنه فقر و به موازات آن استبداد تنوکراسی با چاشنی رفتار شوونیستی، محرومیت و تمام مصائب و آلامی که جامعه امروزه از ناحیه آن‌ها در رنج است، حاصل این نظام و مناسبات حاکم مبتنی بر کارمزدی است. وضعیت رقت‌بار طبقه کارگر و بی‌کاری میلیونی هم یکی از تبعات این نظام و سیاست‌های اقتصادی قدرت حاکمه و حامیان آن در نظام سرمایہ‌داری جهانی می‌باشد. فقط کافیسست که بدانیم که پس از به قدرت رسیدن طالبان، بر اساس گزارشات منابع و نهاد های بین‌المللی بالغ بر ۷۰۰ هزار انسان که در ارتش، پولیس و اداره امنیت ملی رژیم قبلی کار می‌کردند مشاغل شان را از دست داده و به ارتش میلیونی بی‌کاران پیوسته اند. دست‌کم نیمی از جمعیت (زنان) به دلیل جنسیت شان کلاً از مشاغل شان اخراج و خانه‌نشین شده اند. بازنشستگان طی این دو سال بارها دست به اعتراض و تجمع زدند تا حقوق بازنشستگی شان را دریافت نمایند، اما با دیوار توجیه و سکوت مرگبار حاکمیت اسلامی مواجه شده و یا آن را به دستور امیرالمؤمنین حواله داده اند. ارتش گرسنگان و محروم بازنشسته از فرط درماندگی دیگر نه نای فریاد و نه توان ایستادگی در برابر قُلداری امارت دار و تعزیر را ندارند. ابعاد این فجایع همینجا و در همین حد محدود نمانده بلکه تمام عرصه های دیگر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز متأثر ساخته است. خانواده های بی‌شماری سفره های شان خالی است و شب گرسنه سر به بالین می‌گذارند و قادر به تأمین معاش و درمان بیماران شان نیستند. در کنار این و در

امتداد مهاجرت میلیونی، میلیون‌ها شهروند در دو دهه گذشته فقر و نداری ممتد، بیکاری و ترس از استبداد و بربریت طالبان سبب شده است که بخش زیادی از مردم که توانی دارند چاره دیگری جز فرار از جهمی که با مساعدت و زمینه‌سازی سرمایه‌داری جهانی در رأس امپریالیسم امریکا بر پا شده، ندارند.

مضاف بر آن به دلیل فقر و فلاکت اقتصادی گسترده طی این دو و اندی دهه که همچنان در ابعاد هولناکی ادامه دارد، چیزی بالغ بر سه میلیون شهروند افغانستان که اکثریت شان را قشر جوان و تحصیل کرده تشکیل می‌دهد به مواد مخدر معتاد گشته اند؛ هرچند نهادهای امارت اسلامی در این مدت بخش وسیعی از آن‌ها را از چشم‌رس مردم دور ساخته و محلاتی که در گذشته مراکز تجمع آن‌ها بود را "پاکسازی" کرده اند ولی واقعیت امر این است که علل و عوامل بنیادین اعتیاد، که همانا فقر مفرط و فلاکت اقتصادی باشد، همچنان پا بر جا است. در کنار این، مصیبت عظیمی که دامن‌گیر بخش بزرگی از جامعه می‌باشد، به ارتش کودکان کار و خیابانی نیز افزوده است؛ طبق آمار رسمی امارت اسلامی سرمایه و نهاد های جهانی بیش از دو میلیون کودک کارگر در افغانستان وجود دارد که از سر اجبار مادی و به دلیل نرخ بلند بی‌کاری و فقر اقتصادی خانواده های شان به کارهای شاق و توان‌فرسا مشغول هستند.

با وجود این وضعیت اسفبار و فقر و ادبار فراگیر سران و مجریان امور امارت اسلامی و بر همین مبنا حامیان داخلی و بین‌المللی پیدا و پنهان شان از رونق اقتصادی و ثبات سیاسی می‌لایند. سران طالبان و روشنفکران "منصف" حامی امارت اسلامی که برخی شان در رژیم قبلی نیز نقش مداح و ثناخوان آن حاکمیت را بازی می‌کردند، امروزه در خدمت قدرت حاکمه جدید مدعی هستند که عامل بحران اقتصادی و بی‌کاری مفرط و گسترده مسدود شدن منابع مالی بانک مرکزی افغانستان توسط دولت امریکا است. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که هفته‌وار ۴۰ تا ۶۰ میلیون دالر از جانب دولت امریکا و نهادهای دیگر جهانی در اختیار حاکمیت طالبان قرار می‌گیرد تا بتواند منابع مالی لازم جهت سر پا نگاه داشتن دم و دستگاه قدرت و تمویل مخارج نیروهای نظامی و نهادهای سرکوب و تفتیش عقاید شان را داشته باشند.

قدرت‌های سرمایه‌داری و نهادهای مهندسی افکار شان جمع نیروهای مشاطه‌گر داخلی و حامی رژیم همه به این امر اصرار می‌ورزند که با وجود همه این اشکالات، جز امارت اسلامی و قبول وضعیت موجود که در آن "ثبات" سیاسی، امنیت و "مصونیت" تأمین شده و به انارشی و فساد پایان داده شده است، گزینه دلخواه و مطلوب دیگری وجود ندارد. از این نظر برای برون رفتن از این وضعیت و همچنان جهت رونق و شکوفائی اقتصادی جامعه افغانستان، راهکار و الگوی بهتری جز تداوم اقتصاد بازار و مناسبات مبتنی بر کارمزدی در زیر اقتدار تئوکراسی وجود ندارد. امارت اسلامی سرمایه‌داری قرار است مناسبات اقتصادی بازار آزاد را در شکل دخالت "مؤثر" دولت در عرصه اقتصاد ادامه دهد. بر همین دلیل و مبنا است که رژیم طالبان برای جلب هرچه بیشتر سرمایه و رونق اقتصادی سیاست هائی را روی دست گرفته تا بر بنیاد آن سرمایه‌داران داخلی و خارجی از بهر مکنشی از نیروی کار ارزان و کسب سود مضاعف و دسترسی به مواد خام، مطمئن گردند. از این رو است که برخی از نهاد های مالی بورژوائی، از جمله بانک جهانی، و برخی سران قدرت های سرمایه‌داری تصویر مثبتی از وضعیت اقتصادی و سیاست های مالی طالبان ارائه نموده و تلویحاً آن را می‌ستایند.

بر بنیاد گزارش ماهانه بانک جهانی از وضعیت اقتصادی افغانستان، این کشور در تحت حاکمیت طالبان به سوی ثبات و رونق اقتصادی حرکت می‌کند. این گزارش از سوی سران امارت اسلامی طالبان به عنوان یک دست‌آورد و نمود حکومت‌داری خوب تعبیر شد و در اعلامیه ای آن را «مثبت و مبتنی بر واقعیت‌های عینی» خوانده و خواستار اطلاع‌رسانی جهانی در مورد پیشرفت‌های "شگرف" حاکمیت شان شده اند. این در حالی است که سازمان ملل متحد در

گزارش جداگانه ای که چند روز جلوتر از گزارش بانک جهانی منتشر شده بود، نسبت به فروپاشی ساختاری در افغانستان و بروز بحران انسانی هشدار داده است.

بانک جهانی برای دادن تصویر دلخواه از سیاست‌های اقتصادی امارت اسلامی سرمایه مدعی است که تورم سالانه از ۱۸.۳ درصد در ماه جولای ۲۰۲۲ به ۹.۱ درصد در دسامبر همین سال کاهش یافته است. این گزارش همچنان مدعی شده که قیمت اقلام ضروری نسبت به گذشته کاهش داشته است: نفت ۸ درصد، گندم ۵.۱ درصد، شکر ۲.۷ درصد، روغن ۲.۲ درصد و نان ۱.۵ درصد. اما گزارش نهاد های دیگر از جمله سازمان بین‌المللی کار و برنامه جهانی غذا تصویر دیگری که مبتنی است بر داده های عینی و واقعی ارائه می‌دارد.

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) با روی کارآمدن دوباره طالبان در آگست ۲۰۲۱، پنجمین هزار فرصت شغلی در افغانستان از بین رفته است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد این رقم را تا ۷۰۰ هزار شغل برآورد کرده است. بنا به بررسی انجام شده توسط بانک جهانی، پس از به اقتدار رسیدن دوباره طالبان نیمی از کارگران شاغل در بخش خصوصی قادر به ادامه شغل خود بوده‌اند. زنان به‌طور گسترده از بازار کار حذف شده‌اند و دیگر حتی اجازه کار کردن در مشاغل غیررسمی مانند آرایش‌گری، خیاطی، و... را هم ندارند.

گزارش هفت‌مبار برنامه جهانی غذا (WFP) در ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ از کاهش فرصت‌های شغلی و تعداد روزهای که کارگران ساده و ماهر قادر به یافتن کار بوده‌اند، خبر می‌دهد. بر اساس این گزارش‌ها در سال ۲۰۲۲، به‌طور متوسط کارگران تنها ۱.۷ روز در هفته کار کرده‌اند که ۳۷ درصد کمتر از رقم سال ۲۰۲۰ یعنی ۲.۷ روز در هفته بوده است. دست‌مزد اسمی کارگر ساده به‌طور میانگین ۳۰۴ افغانی و کارگر ماهر ۶۲۱ افغانی بوده است؛ گرچه دست‌مزد اسمی تقریباً ثابت بوده است اما آمارها از کاهش ۲۰ درصدی دست‌مزد حقیقی خبر می‌دهد.

بر مبنای گزارش دیگری از برنامه جهانی غذا WFP «تعداد گرسنگان در جنوری ۲۰۲۱ در افغانستان ۱۴ میلیون بود و این رقم در مارچ سال (۲۰۲۲) به ۳۷ میلیون رسیده است.» در این گزارش آمده است که ۹۵ درصد مردم افغانستان به غذای کافی دسترسی ندارند. تنها در سه ماه اول سال ۲۰۲۲ سیزده هزار نوزاد در اثر سوء تغذیه و بیماری‌های ناشی از آن جان خویش را از دست داده‌اند.

با توجه به این‌که بخش عمده درآمد مردم در افغانستان صرف خرید مواد غذایی می‌شود، می‌توان نوسانات قدرت خرید را با رصد نمودن قیمت سبد غذایی یک خانوار محاسبه نمود. بر مبنای سبد معیاری (FSAC) که برای تأمین نیازهای غذایی ماهانه یک خانواده هفت نفره در افغانستان در نظر گرفته شده که شامل ۸۹ کیلوگرام آرد گندم، ۲۱ کیلوگرام برنج، هفت کیلوگرام روغن، نه کیلوگرام حبوبات و یک کیلوگرام نمک می‌باشد. قیمت این سبد که در ماه جولای سال ۲۰۲۱ کمتر از ۶۰۰۰ افغانی بوده است، با روی کارآمدن دوباره طالبان نرخ این اقلام سیر صعودی پیموده و در ماه جولای ۲۰۲۲ به ۸۵۰۰ افغانی و در دسامبر همان سال، که باعث شعف و تحسین بانک جهانی قرار گرفته است، به ۷۶۳۵ افغانی رسیده بود.

با احتساب روزهایی که کارگران قادر به پیدا کردن کار بوده‌اند (۱.۷ روز در هفته) و متوسط دست‌مزد اسمی ۳۰۴ افغانی، یک کارگر ساده به‌طور متوسط می‌تواند حدود دو هزار افغانی در ماه درآمد داشته باشد. با در نظر گرفتن سبد خرید ماهانه ۷۶۳۵ افغانی، درآمد ماهانه یک کارگر تنها برای خرید مایحتاج ضروری یک هفته این خانواده کفایت می‌کند و آن‌ها مجبورند سه هفته دیگر ماه را با گرسنگی یا با اتکاء به کمک‌های بشردوستانه، که اگر در آشفته بازار چپاول و غارت بتوانند از آن بهره‌مند شوند، سپری کنند. به علاوه، سایر مصارف مانند کرایه خانه، حمل‌ونقل، لباس، مواد سوخت جهت پخت و پز و گرما، درمان و ... نیز باید از همین مبلغ تأمین شود. این گوشه کوچکی از واقعیت تلخ

و دردناک مردم، به ویژه زنان که در اغلب موارد یگانه نان‌آور خانواده‌هایشان هستند، در زیر سلطه امارت اسلامی سرمایه است که سیاست‌های اقتصادی آن این چنین وقیحانه مورد تمجید نهادها و دولت‌های بورژوازی قرار می‌گیرد.

اعتراضات اجتماعی

از بدو ورود طالبان به کابل و جلوس‌شان به قدرت سیاسی و احیای دوباره امارت دار و تعزیر و اپارتاید جنسیتی اسلامی در افغانستان، اعتراضات اجتماعی خودجوشی در برخی از شهرها، به ویژه شهر کابل، راه افتاد که با سرعت و سببیت تمام و جلو چشم جهانیان سرکوب گردید؛ حرکت‌های اعتراضی آغازین در مخالفت با سلطه وحوش طالب و با وجود طرح مطالبات مادی و عینی مردم محروم آن‌چنان که انتظار می‌رفت به دلیل نبود انسجام، سازمانیابی و روایت‌ها، منافع و خواست‌های متعارض و متضاد نیروهای شرکت‌کننده در آن‌ها از توش و توان افتادند و به یک معنای دیگر از چنین حرکت‌های اعتراضی علنی، که زنان در آن پیش‌تاز بودند، خبری نیست.

اگر برای یک لحظه از استبداد و توحش لجام‌گسیخته و عریان حاکمیت ارتجاعی طالبان، ارعاب، زندان، شکنجه، اعمال فشار و قساوت و ددمنشی دستگاه سرکوب و تفتیش عقاید آن که می‌تواند یکی از عوامل اساسی فروکش جنبش‌های اعتراضی زنان به شمار آید، چشم‌پوشی گردد؛ اما روشن است که حرکت‌های اعتراضی و آکسیون، چه در داخل و چه در بیرون از مرزهای افغانستان، طبعاً منافع طبقاتی، خواست‌ها و مطالبات یک سان اجتماعی را نمایندگی نمی‌کردند و نمی‌کنند. مهم‌تر از آن توهم غالب بر اذهان کنشگران سیاسی، احزاب و فعالان جامعه مدنی نسبت به نهادها و قدرت‌های سرمایه‌داری و در کل سلطه "پارادیم جامعه مدنی" و گرایش راست بر اذهان و کنش فعالان و دست‌اندرکاران این عرصه نیز تأثیرگذار بوده است. به این دلیل با تأسف جنبش‌های اعتراضی، به ویژه جنبش اعتراضی و حق‌طلبانه زنان، تحت تأثیر تحولات و گفتمان غالب و روایتی که آن‌ها از مسائل و معضلات افغانستان دارند، اتومیزه و متفوق شده است.

جنبش‌های اعتراضی در رأس آن جنبش زنان که با طرح مطالبه نان، کار، آزادی درد اصلی و واقعی مردم، به ویژه طبقات فرودست و محروم جامعه افغانستان، از جمله کارگران و سایر مزدبگیران را بیان و محور تقابل همه احاد جامعه با امارت اسلامی سرمایه قرار داده بود و این مطالبه و خواست در مسیر تداومش با پسوندهای متفاوتی در حرکت‌های اعتراضی بیان و طرح شدند که بازتاب روشن و رادیکالی از خواست‌ها و مطالباتی است که فراتر از بیزاری مردم نسبت به استیلای تئوکراسی، شوونیسم و جهالت قرون وسطی و اعتراض علیه حاکمیت استبدادی طالبان می‌رود و نظام و مناسباتی را آماج قرار می‌دهد که اساس و فلسفه وجودی اش بر ستم، استثمار، فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و انقیاد ذهنی احاد جامعه بنا نهاده شده است.

اما همان‌گونه که اشاره شد با اتومیزه شدن این جنبش و یا در واقع سلطه گرایش‌های راست و ناسیونالیستی بر آن خواست و مطالبه نان، کار، آزادی که از زبان زنان مبارز فریاد زده می‌شد کم‌رنگ گشته و در عوض گفتمان‌ها و تبیین‌های راست و پوپولیستی غالب گشته‌اند. محرومیت، تبعیض و ستم‌های عدیده اجتماعی از جمله ستم‌کشی تاریخی زن و اپارتاید جنسیتی که بر بیشتر از نیم پیکره جامعه، زنان، تحمیل و روا داشته می‌شود در متن گفتمان ناسیونالیسم تباری-قومی که همچنان گفتمان غالب را در فضای سیاسی افغانستان می‌سازد، از بار و معنای طبقاتی اش تُهی می‌گردد و این همه را ناشی از رفتار شوونیستی حاکمان جدید می‌پندارند. مردسالاری، ستم و اپارتاید جنسیتی که امروزه از جمله در افغانستان بر زنان اعمال می‌گردد محصول بلافصل نظام حاکم اقتصادی - سیاسی است که امارت اسلامی طالبان آن را در جغرافیای سیاسی افغانستان نمایندگی می‌کند؛ سرمایه‌داری مطابق نیاز مناسبات بردگی مزدی، این

ویژگی های دوره توحش و بربریت را تولید و باز تولید می‌کند. جنبش زنان سال‌های متمادی برای کسب حقوق اجتماعی شان، به رغم همه موانع و مشکلات، در اشکال و شیوه‌های متفاوت تلاش کرده و سنگر به سنگر جنگیده اند. نیمچه حقوقی را که در این دو دهه پسین، به دست آورده بودند حاصل این تلاش و مبارزه تاریخی بود. با بازگشت دوباره طالبان به مسند قدرت سیاسی، به حمایت آشکار قدرت های بورژوائی، زنان و کارگران از اولین قربانیان تأمین منافع، سیاست‌ها و ستراتیژی سرمایه‌داری جهانی و قدرت امپریالیستی امریکا بودند؛ سنگرهای فتح شده یک‌شبه به باد فنا رفت و زنان به جرم جنسیت شان و به حکم نمایندگان خدا از اجتماع رانده و از حقوق ابتدائی و انسانی شان (از حق تحصیل تا حق کار و حضور در فعالیت‌های اجتماعی) محروم گشتند.

وضعیت هولناک جاری و حاکمیت "امارت اسلامی" طالبان، که ره آورد و محصول قدرت‌های امپریالیستی و شرکای جهانی و منطقه‌ای آن‌ها برای مردم محروم و تشنه رفاه و آزادی افغانستان است، بدون تردید بار دیگر یک عقب‌گرد تاریخی هولناک و ویرانگر را بر جامعه و مردم افغانستان تحمیل کرده است؛ عقب‌گردی که در آن در کنار سلطه آراء و افکار بدوی فقر و ستم در اشکال متنوعی از آن میان ستم جنسیتی و نابرابری و فلاکت گسترده اجتماعی و همچنان انقطاب بر مبنای تعلقات تباری، قومی، زبانی و اعمال تبعیض بر اساس آن هر روز نسبت به گذشته در حال گسترش است و از مردم، به خصوص طبقه کارگر و همه اقشار مزدبگیر و محروم جامعه قربانی می‌گیرد و عامل تشنت و پراکندگی در میان کارگران و مردم می‌گردد. اما اسفبار این است که در یک چنین وضعیت به لحاظ اجتماعی-تاریخی خطیر، نیروهای چپ، سوسیالیست و آزادی‌خواه که انتظار می‌رود نقش مؤثری برای ترسیم یک راه کار بديل ارائه بدارند، در کما به سر می‌برند و سخت پراکنده، منزوی و متشتت هستند.

منابع:

1. "Afghanistan Humanitarian Needs Overview 2023 (January 2023) – Afghanistan"
2. WFP, Afghanistan Countrywide Monthly Market Price Bulletin: Issue 31 (December 2022)
3. UNDP, One Year in Review: Afghanistan since August 2021: A Socio-Economic Snapshot
4. HANISTAN ECONOMIC MONITOR, Jan 2023.
5. WFP, Afghanistan Countrywide Monthly Market Price Bulletin: Issue 31 (December 2022)
6. WFP, Economic Explorer, https://dataviz.vam.wfp.org/economic_explorer/macroeconomics/inflation?adm0=1
7. UNDP, One Year in Review: Afghanistan since August 2021: A Socio-Economic Snapshot